

مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی د استراتژیکو او سیمه ییزو څېړنو مرکز



تحليل هفته

شماره: 42 (از 25 اسد الی 31 اسد 1392 هـ ش)

این نشریه مجموعه از تحلیل واقعات مهم در طول یک هفته است که توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی جهت تحلیل وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور تهیه و نشر میگردد تا نهادها و مراجع مختلف از آن مستفید گردند.

آنچه درین نشریه می خوانید:

1. تقبیح جنایات کودتاگران مصری در کابل

- کشورهای غربی مخالف نهادینه شدن دموکراسی در مصر می باشند

2. انتظار از سفر کرزی به پاکستان

- آیا پاکستان خواهان صلح میان حکومت افغانستان و طالبان است؟

3. پروژۀ صلح و امضای توافقنامه امنیتی با امریکا

- دو مشکل بزرگ آقای کرزی

4. اقرار و انکار دو مفهوم متناقض!!!

- رئیس جمهور افغانستان خبرسازترین فرد در جمع سیاستمداران جنوب آسیا

تقبیح جنایات کودتاگران مصری در کابل



احزاب سیاسی و نهاد های اجتماعی افغانستان طی یک کنفرانس مطبوعاتی، کشتار بیرحمانه مردم بیدفاع مصر بدست کودتاگران نظامی این کشور را بشدت تقبیح نمودند.

احمدضیا مسعود معاون سیاسی جمعیت اسلامی ضمن تقبیح جنایات نظامیان مصری گفت که وقتی یک گروه مسلمان می خواهد از راه مدنی و مبارزات انتخاباتی بقدرت برسد ولی با سرکوب و کشتار مواجه می گردد، این کارزمینه را برای تمایل به افراط گرایی مذهبی مساعد می سازد.

وی به نیروی کودتاگر در مصر هشدار داد که با کشتار نمی توان بر ملت مسلط شد و این روند که بوسیله نظامیان در مصر برافشاده، هم برای مصر و هم برای سراسر جهان اسلام پیامد های خطرناکی در قبال خواهد داشت.

رئیس جبهه ملی می گوید زمانی که حرکت ها و مبارزات سیاسی و مدنی احزاب در کشورهای اسلامی با حمایت روبرو نگردد؛ گروه های جدید افراطی در این کشورها اعلام موجودیت خواهند کرد.

احزاب سیاسی و نهاد های اجتماعی افغانستان موضع مشترک خویش را در قبال خشونت و خونریزی دهشتناک مصر و تداوم آن به شرح زیر اعلام می دارد:

- کودتای نظامی برعلیه دولت منتخب را آغاز خطرناکی در جهت قربانی شدن اراده مردم مصر می داند و خواهان حل بحران از راه های منطقی و مسالمت آمیز می باشد، به گونه ای که حقوق اساسی مردم و آزادی اراده و انتخاب شان تضمین گردد.
- با ابراز همدردی به ملت بزرگ مصر در مورد شهادت و زخمی شدن هزاران تن از فرزندان آن، تداوم خشونت و حملات مرگبار نیروهای امنیتی بر مردم بیدفاع و متحصنان بی سلاح را بشدت محکوم نموده و حمایت خویش را از داعیه انسانی و برحق شان اعلام میداریم.
- از جامعه بین المللی، سازمان ملل متحد، شورای امنیت این سازمان، اتحادیه اروپا، سازمان کشورهای اسلامی و نهاد های حامی حقوق بشر می خواهیم قبل از اینکه بحران عمق و گستره بیشتر پیدا کند، دولت نظامی را به پذیرش خواست های قانونی مردم و ادار سازند و جلو کشتار مردم و ادامه خونریزی را بگیرند.
- به دولت نظامی هوشدار می دهیم که با جاری کردن سیل خون نمی توان کشور را اداره کرد. از این جهت خواست ما اینست که کودتاچیان دست از ادامه این جنایت ضد بشری بردارند و با پذیرش خواسته های اساسی مردم، زمینه آرامش مجدد و حل اساسی بحران را جستجو نمایند.

آیا پاکستان خواهان صلح میان حکومت افغانستان و طالبان است؟



اصولا ارزیابی پاکستان از تامین صلح در افغانستان چیست؟ آیا واقعا همانگونه که دولت مردان افغانستان می گویند، صلح در افغانستان به نفع پاکستان نیز خواهد بود؟ وقتی می گوئیم که پاکستان بصورت صادقانه در تامین صلح در افغانستان کمک نمی کند، باید اندیشید که این کشور چه منافعی را در جنگ افغانستان دنبال می کند؟ آیا ناامنی های گسترده در پاکستان که اقتصاد این کشور را در ورطه ورشکستگی قرار داده، آنگونه که بعضی از تحلیلگران ما عنوان می کنند، همه نقشه ای از جانب فوج این کشور و آی اس آی است؟

محترم وحید مزده تحلیلگر مسائل سیاسی در پاسخ به این همه سوالات چنین ابراز نظر میکند که مشکل بزرگ در میان سیاستمداران ما اینست که همه در تحلیل های شان می خواهند مسایل پیچیده را برای عام فهم شدن چنان ساده بسازند که کاملا از محتوی خالی گردد. باوری که در نتیجه چنین تحلیل ها ایجاد می شود، به این خوش باوری می انجامد که پاکستان در حال تجزیه شدن است و پاکستان چاره ای جز تسلیم شدن ندارد. امریکا به پاکستان حمله خواهد کرد و بمب اتی این کشور را نابود خواهد نمود...

چنین تحلیل ها از جانب کارشناسان محترم سیاسی فاقد این بررسی دقیق کارشناسانه است که طالبان پاکستان و افغان با هم چه رابطه ای دارند و میزان تاثیرگذاری استخبارات نظامی پاکستان بر آنها با چه محدودیت های مواجه است. چرا کسانی چون خالد خواجه و کرنیل امام که سالها در پروژه طالبان دخیل شمرده می شدند، بدست طالبان کشته می شوند؟ برای تحت کنترل نشان دادن طالبان در دوسوی دیورند، حتی نقش طالبان پاکستان در انتخابات اخیر این کشور نادیده گرفته می شود. در بعضی موارد رسانه ها بجای از اینکه در روشن ساختن اذهان نقش داشته باشند، در انحراف اذهان و مهندسی باورها مطابق به خواست یک جهت خاص به ایفای نقش می پردازند.

انتخابات اخیر در پاکستان در زیر سایه وحشی انجام شد که طالبان این کشور ایجاد کرده بودند. احزابی که در دوران حکومت حزب مردم با طالبان شعار جنگ و دشمنی سر داده بودند، شکست خوردند. آنها حتی این فرصت را بدست نیاوردند تا اجتماعات انتخاباتی تشکیل دهند و در باره برنامه های کاری خود در صورت برنده شدن با مردم سخن بگویند. در سند و صوبه خیبر پشتونخواه این فشار طالبان بخوبی محسوس بود.

حزب مسلم لیگ (ن) برهبری نواز شریف و حزب تحریک انصاف برهبری عمران خان وعده دادند تا در صورت بقدرت رسیدن، با طالبان پاکستانی به مذاکره خواهند پرداخت و مشکل ناامنی ها را از طریق مذاکره حل خواهند کرد. این دو حزب در ضمن این وعده را نیز داده بودند که در صورت بقدرت رسیدن، مانع از حملات طیارات بی سرنشین امریکا به مناطق قبایلی خواهند شد. به همین دلیل این دو حزب با نظر مساعد از جانب تحریک طالبان پاکستان مواجه شده و برنده انتخابات گردیدند.

قبلا نیز طالبان پاکستانی خواست مشابه را از حکومت قبلی پاکستان داشتند و گفته بودند که این کار می تواند با وساطت رهبران احزاب مذهبی پاکستان انجام یابد اما این کار بعد از کشته شدن ولی الرحمان معاون تحریک طالبان پاکستان در ماه می در اثر حمله طیاره بی پیلوت امریکا به تعویق افتاد.

با بقدرت رسیدن حکومت جدید انتظار این میرفت که حملات طالبان کاهش یابد و زمینه برای مذاکرات آماده گردد اما با ادامه حملات طیارات امریکایی از یک طرف و ناتوانی حکومت پاکستان از مقابله در برابر آن حملات، فعالیت های رزمی طالبان وسعت گرفت و حتی کار به جایی رسید که آنها با لشکرکشی به دیره اسماعیل خان و گشودن در زندان یکی از مستحکم ترین زندان های

پاکستان در این ضلع، بیش از دوصد تن از یاران خود را آزاد کردند. جنگ و کشتار همچنان ادامه یافت و حمله به نیروهای پولیس و ارتش فزونی گرفت. طالبان پاکستانی حکومت جدید را به خاموشی در برابر حملات امریکا متهم می نماید.

نواز شریف که در جریان مبارزات انتخاباتی به مردم پاکستان وعده صلح و امنیت و پیشرفت داده بود، تاکنون در تحقق وعده های خویش ناکام بوده است. دلیل این امر را می توان ناشی از ناتوانی حکومت ملکی در برابر اردوی قدرتمند این کشور دانست. اردوی پاکستان نمی خواهد چنین وانمود سازد که در برابر شورش داخلی ناکام بوده است.

اخیرا بار دیگر تمایلی از جانب طالبان پاکستان برای مذاکره با حکومت مرکزی به مشاهده رسیده است؛ شاهد الله سخنگوی تحریک طالبان پاکستان بار دیگر برای مذاکرات صلح با حکومت پاکستان ابراز آماده گی نموده است. این بار نیز تحریک طالبان پاکستان خواهان وساطت مولانا فضل الرحمن و منور حسن در این مذاکرات شده است.

مولانا جلیل جان سخنگوی جمعیت العلمای اسلام به رهبری مولانا فضل الرحمن، مذاکرات به منظور دسترسی به صلح را در پاکستان یک ضرورت مهم دانسته و گفته است که « در افغانستان نیز برای مذاکرات میان دولت و طالبان افغان راه هموار گردیده است، امریکا همچنان می خواهد با طالبان افغان مذاکره نماید و برای طالبان در قطر دفتر باز کرده است. اگر در پاکستان نیز مذاکرات صورت بگیرد در کل مفید و به نفع تمام منطقه خواهد بود».

اما در شرایطی که یکبار دیگر تمایل به مذاکره از جانب طالبان پاکستانی با حکومت نواز شریف ابراز می شود، حکومت بار دیگر سلسله اعدام ها را از سر می گیرد. قرار است بعد از پنج سال وقفه، بار دیگر مجرمین خطرناک به مجازات مرگ مواجه گردند. وزارت عدلیه پاکستان اعلام داشته که بزودی حکم اعدام در مورد چهار نفری که چند سال قبل به اعدام محکوم شده بودند، به اجرا درآید. دوتن از آنان وابسته به لشکر جهنگوی اند که در کشتن یک داکتر شیعه مذهب دست داشتند. طالبان پاکستان در برابر این تصمیم حکومت عکس العمل نشان داده و آنرا اعلام جنگ علیه خود خوانده اند.

در چنین شرایطی قرار است رئیس جمهور کرسی سفری به پاکستان داشته باشد. وی از قبل مشخص نموده که در این سفر در چهارچوب اجندای معین با مقامات پاکستانی مذاکره خواهد کرد و مسئله کمک پاکستان به پروسه صلح در صدر این مذاکرات قرار خواهد داشت.

در رابطه با این سفر، این سوال شایان مطرح شدن است که وقتی حکومت پاکستان قادر نیست مشکلات خود را با طالبان خود حل نماید، وقتی حکومت پاکستان قادر نیست از ناامنی ها و کشتارهای که اقتصاد این کشور را فلج کرده جلو بگیرد، آیا انتظار کابل از اسلام آباد برای وساطت میان طالبان افغان و حکومت افغانستان تا چه حد می تواند عملی باشد؟

طالبان مشکل درهم پیچیده در دوسوی دیورند اند و نمی توان آنرا از هم جدا کرد. پاکستان بخوبی می داند که اگر طالبان افغان و حکومت افغانستان با هم به توافق برسند، طالبان پاکستانی در موقعیت بهتری از نظر عقبه های حمایتی قرار خواهند گرفت و جنگ در پاکستان شدت خواهد یافت. با توجه به حساسیتی که پاکستان از نقش هند در افغانستان دارد، مقامات نظامی پاکستان به این تصور اند که صلح در افغانستان این فرصت را در اختیار هندوستان قرار خواهد داد تا به کمک طالبان پاکستانی بشتابند و با استفاده از عقده طالبان علیه پاکستان، این کشور را به مجمری از آتش مبدل سازد.

از جانب دیگر صلح پاکستان با طالبان این کشور در شرایط فعلی به نفع پاکستان نیست زیرا طالبان در موقعیت مناسب تری از نظر نظامی و سیاسی قرار دارند و در صورت برگزاری مذاکرات صلح، آنها خواهان نقش مهمتر و عملی تر در سیاست پاکستان خواهند شد. امریکا و متحدین غربی پاکستان هرگز چنین حالتی را نمی خواهند و در نتیجه چنین توافقی، پاکستان از کمک های کشورهای غرب بخصوص امریکا محروم خواهد گردید.

پاکستان نزدیکی میان امریکا و هندوستان را خطری بزرگ برای خود می‌شمارد و حتی به قیمت گسترش ناامنی‌ها در داخل پاکستان، نمی‌خواهد این جنگ به شکلی به پایان برسد که هندوستان در جایگاه برتری در منطقه قرار گیرد. پاکستان به دلیل مشکلات اقتصادی، توان رقابت با هندوستان را در عرصه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در افغانستان ندارد اما ناامنی و جنگ در افغانستان می‌تواند در مهار نقش هند در افغانستان ابزاری موثر بشمار آید.

بنابراین دخالت پاکستان در پرونده صلح افغانستان، به نفع افغانها نیست و درست به همین دلیل بود که رهبری طالبان ترجیح داد تا دفتر طالبان بجای کشورهای چون ترکیه و سعودی که دستگاه استخبارات نظامی پاکستان از دهها سال به اینطرف در مسئله افغانستان با سازمان‌های استخباراتی این دو کشور کار کرده است، در قطر ایجاد گردد در مقابل حکومت افغانستان همیشه با مطرح ساختن این اتهام که پاکستان در ناامنی‌های افغانستان نقش دارد، تلاش ناموفقی را براه انداخته تا پاکستان زیر فشار غرب قرار گیرد اما برعکس، پاکستان با استفاده از همین اتهامات که این کشور نقش کلیدی در افغانستان دارد، از کمک‌ها و امتیازات غرب برخوردار شده است.

بنابراین سفر حامدکرزی به پاکستان مانند سفرهای گذشته دست آورد مشخصی نخواهد داشت و اگر حکومت پاکستان حاضر شود حتی ملابرادر را آزاد نماید، می‌تواند دست آوردی اندک از این سفر باشد اما در نهایت مشکل جنگ در افغانستان حل نخواهد شد زیرا کلید حل این مشکل در اسلام آباد نیست. این مشکل زمانی حل خواهد شد که مذاکرات میان طالبان افغان و امریکا به نتیجه برسد و بدنبال آن، مذاکرات میان افغانها آغاز گردد.

پروژه صلح و امضای توافق‌نامه امنیتی با امریکا

دو مشکل بزرگ آقای کرزی

نثار احمد غوریانی – عضو مجلس نمایندگان افغانستان

دو پروژه رییس‌جمهور کرزی به گونه کم‌سابقه تأثیرهای ناگواری بر روند سیاسی افغانستان گذاشته‌اند: نخست پروژه صلح و دوم پروژه امضای توافق‌نامه امنیتی با امریکا. پروژه صلح که از نزدیک به هشت سال پیش آغاز شده، تاکنون تعریف روشنی پیدا نکرده است. سخنان اخیر آقای کرزی در مراسم عید فطر در کابل، نشان داد که او در این رابطه دچار نوعی سردرگمی مضاعف شده است.

آقای کرزی در سخنان خود، طالبان را «عزیز» خطاب کرد و نسبت به گشایش دفتر این گروه در قطر، از ادبیاتی استفاده کرد که در تناقض آشکار با مواضع قبلی او در این رابطه قرار دارد. آقای کرزی گفت که اگر طالبان چنین دفتری را در کابل باز می‌کردند، به هیچ صورت با مشکل قطر که منجر به پایین آمدن پرچم و لوحه امارت اسلامی شد، مواجه نمی‌شدند.

این اظهارات به این معناست که آقای کرزی با نفس پرچم و لوحه طالبان، مشکلی نداشته و تنها مشکلی او با کشوری بوده که این دفتر در آن باز شده است و یا هم شرایطی که طالبان برای گفت‌وگوهای خود مطرح کرده‌اند.

این سخنان از سویی به رسمیت شناختن طالبان را هم می‌توانند تداعی کنند؛ همان گروهی که نزدیک به ۱۳ سال پیش در حمله نیروهای ائتلاف جهانی مبارزه با تروریسم، سقوط کرد و در پی اجلاس بن، آقای کرزی قدرت سیاسی را در افغانستان به دست گرفت. آیا پس از ۱۳ سال، آقای کرزی تلاش دارد که طالبان را دوباره وارد صحنه سیاسی افغانستان کند؟... ظاهر مسایل چنین اتفاقی را در آینده نزدیک تأیید نمی‌کند، ولی می‌تواند شرایط را به نفع طالبان تغییر دهد.

آقای کرزی در حالی از پرچم و لوحه امارت اسلامی در کابل استقبال می‌کند که نیروهای ارتش و پولیس در حال پاک‌سازی نیروهای این گروه از بخش‌های از ولایت لوگر در همسایه‌گی کابل استند. در همین حال، تلاش‌های آغاز شده که دفتر دیگری برای طالبان در

یکی از کشورهای نزدیک افغانستان ایجاد شود. بسیاری از آگاهان از احتمال ایجاد دفتر طالبان در عربستان سعودی و یا ترکیه با حضور معتصم آغا جان یکی از سران گروه طالبان خبر داده‌اند. معتصم آغا جان در حال حاضر در ترکیه زنده‌گی می‌کند و روابط نزدیکی با ارگ ریاست‌جمهوری افغانستان دارد. بسیاری از آگاهان تأیید می‌کنند که معتصم آغا جان، دیگر جایگاه و رابطه گذشته را با رهبری گروه طالبان ندارد و به عنوان «مهره سوخته» عمل می‌کند. اگر این خبر واقعیت داشته باشد، پس می‌توان با قاطعیت گفت که آقای کرزی با امریکایی‌ها بر سر مذاکرات صلح، هنوز دیدگاه‌های متفاوتی دارد. زیرا بر اساس برخی گزارش‌ها قرار است که دفتر طالبان در قطر دوباره فعال شود و آن گونه که از پیام رهبر این گروه به مناسبت عید فطر برمی‌آید، طالبان هم نسبت به آغاز گفت‌گوها با امریکا بی‌میل نیستند. البته طالبان هنوز مواضع قبلی خود را نسبت به گفت‌وگوهای صلح تعدیل نکرده‌اند و همچنان جامعه جهانی و به‌ویژه امریکا را طرف اصلی این مذاکرات می‌شناسند؛ موضوعی که فکر می‌شود باعث اختلاف‌ها و سوءفهم‌هایی از سوی ارگ ریاست‌جمهوری افغانستان شده است. آقای کرزی شاید به این دلیل نیز تلاش کند که بدیلی برای دفتر قطر بیافریند؛ دفتری که عمدتاً می‌تواند حتی به صورت نمادین نشان دهد که هنوز ارگ ریاست‌جمهوری کاملاً از معاملات صلح کنار گذاشته نشده است.

و اما موضوع دوم که نمی‌تواند بی‌رابطه با مسأله صلح باشد، امضای توافق‌نامه امنیتی با امریکاست. این موضوع نیز در حال تبدیل شدن به زخم ناسور در روابط دو کشور است. آن چه که هر از گاهی به عنوان مانع در برابر امضای این توافق‌نامه از سوی مقام‌های افغانستان ابراز می‌شود، بیشتر از آن که مسایل فنی و یا استراتژیک باشند، مسایل سیاسی‌اند. آقای کرزی همان‌گونه که به پنهان‌کاری در مورد مذاکرات صلح پافشاری دارد و هنوز هدف‌ها و استراتژی‌های اصلی خود را رو نکرده، در مسأله امضای توافق‌نامه امنیتی با امریکا نیز به گونه مهم سخن می‌گوید. سخنان ابراهیم‌آمیز رئیس‌جمهوری و دیگر مقام‌های افغانستان در رابطه با توافق‌نامه امنیتی با امریکا که بخشی از پیمان راهبردی میان دو کشور می‌تواند باشد که سال گذشته امضا شد، این شک و گمان‌ها را در جامعه تشدید کرده که آقای کرزی اهداف شخصی در امضای این توافق‌نامه دارد. گفتن سخنانی چون لحاظ کردن منافع ملی در امضای این توافق‌نامه، تنها به افزایش بدگمانی‌ها در این خصوص انجامیده است. بسیاری‌ها می‌پرسند که منافع ملی که در این خصوص می‌خواهد لحاظ شود، کدام‌ها اند. اما اصلی‌ترین پرسش این است که امضای توافق‌نامه امنیتی با امریکا، حاوی چه منافعی می‌تواند برای افغانستان باشد و اصلاً ضرورت امضای آن چیست؟ امنیت یک مقوله چندبعدی است که مؤلفه‌های مختلفی در شکل‌گیری آن نقش دارند. در نبود و یا ضعف نهادهای ملی، امنیت همواره در معرض تهدید قرار دارد. افغانستان حداقل از سی سال پیش تا امروز به تنهایی قادر به تأمین امنیت خود نبوده است. بیرون شدن نیروهای شوروی سابق از افغانستان در پی مذاکرات ژنیو، عملاً به صلح در کشور نیانجامید. چون نهادهای ملی در کشور وجود نداشت و دولت بر سر قدرت، مشروعیت سیاسی خود را عملاً از دست داده بود. این شرایط سبب سقوط دولت و آغاز درگیری‌های میان‌گروهی در افغانستان شد. این تجربه می‌تواند تکرار شود. به گفته برخی اندیشمندان، تاریخ دوبار تکرار می‌شود؛ یک بار به صورت تراژیک و بار دوم به صورت کمیدی. ممکن است این بار نوبت تکرار تاریخ به گونه کمیدی فرا رسیده باشد.

به هر حال، تازمانی که نهادهای ملی در کشور به گونه دقیق شکل نگرفته و نهادینه نشده باشند، بدون شک امنیت همواره در معرض خطر خواهد بود. افغانستان تا رسیدن به چنین مرحله‌ی، نیاز به کمک‌های جانی در عرصه تأمین امنیت دارد؛ چون اگر چنین کمک‌ها و حمایت‌ها وجود نداشته باشند، هیچ ضمانتی وجود ندارد که نیروهای فعلی یک بار دیگر در معرض انحلال و رویارویی‌های فرقه‌ی و گروهی قرار نگیرند. با هیچ‌گونه ژست و احساسات ملی‌گرایانه نمی‌توان از وقوع فاجعه جلوگیری کرد. واقع‌بینی و عقلانیت سیاسی حکم می‌کند که در این خصوص حکومت افغانستان با توجه به نیازها، مجبوریت‌ها و منافع و مصالح ملی عمل کند و نباید از بحث سند امنیتی به عنوان یک ابزار برای داد و ستد سیاسی خود استفاده برده و مردم را در تنگنا و سرگردانی قرار دهد و باید جانب امریکا هم چنین مسأله‌ی را در نظر داشته باشد.

اقرار و انکار دو مفهوم متناقض!!!

احمد سعیدی آگاه امور سیاسی



انکار و اقرار دو کلمه و یا دو مفهوم متناقض اند که درین جاه به تناقض گوئی و بازی های هر رنگ سخنگویان رئیس جمهور کرزی اختصاص یافته و این دو جمله معرف میتوند نماد از هویت شخصیت سیاسی رهبر کشور چون افغانستان بحساب آید که بسیاری از سیاسیون و رسانه هارا با انکار از حقایقی که می گذرد گیج ساخته است، حقیقت تلخ و انکار نا پذیر این است که رئیس جمهور افغانستان خبر ساز ترین فرد در جمع سیاستمداران جنوب آسیا به شمار می رود او با پارادوکس سازی همه روزه برای رسانه ها خوراک نو تهیه میکند یک هفته ایشان را در قطب شمال

حوادث مصروف میسازد و هفته دیگر در قطب جنوب در یکی انکار و در دیگر اقرار یک هفته روی چگونگی موقف مثبت وی تبصره است هفته دیگر دلائل منفی بافی وانکار بررسی میشود، مثلا: دو سال بر موقف مثبت حامد کرزی نسبت به طالبان و آدرس شان و رفتن آقای حامد کرزی پای پیاده بدرب این آدرس خوراک روز و شب رسانه ها بود و باز انکار و آشفتگی و حال تا هنوز چند ماه از بر رسی دلائل انکار رئیس جمهور از اشتراک در مذاکرات قطر سپری نشده و باز می گویند از قطر در جای دیگر دفتر بهتر است حالا شورای صلح دست به دامن سعودی ترکیه و ترکمنستان انداخته تا دفتر برای طالبان آماده سازند این تشله بازی های طفلانه تا چه وقت ادامه دارد یک روز قهر روز دیگر عذر از گناه بد تر .



اول جناب حامد کرزی و نواز شریف: دو ما قبل خبر تشریف آوری نواز شریف صدر اعظم جدید پاکستان و سیاستمدار کهنه کار در قضیه افغانستان خوراک روز و شب و دست آویز رسانه ها بود اما این معادله نیز مانند سائر بازی های سیاسی معکوس شد. حسب اشاره بادر بعد از چند هفته خاموشی دیروز کریم خرم رئیس دفتر آقای کرزی اعلان کرد که در اخیر ماه جاری عیسوی جناب کرزی به پاکستان می رود شاید جناب آقای خرم این خوش خبری به

جناب آقای کرزی داده باشد که برادر نواز شریف وعده همکاری های بی شائبه داده در حالیکه که هیچ یکی ازین همکاری ها مشخص نیست که آقای کرزی بعد از بازگشت از پاکستان با چه دست آورد خواهد آمد. شرائط و اصول و همکاری اینها کلمات رویایی است که تناقض گوئی هارا توجیح کند. حقیقت این است که حکومت کابل و استخبارات پاکستان در رشد و بافت تمام حوادث منطقه بوسیله نیروی ابزاری طالبان با هم تفاهم دارند و گاهی بخاطر تحریف ذهنیت عامه اختلافات ظاهری را مطرح میسازند تا سیاستمداران خوشباور را مصروف و خود شان تا رسیدن هدف آهسته آهسته بحرکت خود ادامه بدهند. در این روزها شورای عالی صلح آماده می گیرد تا دو تریبوز را به یک دست بر دارد جلسه بزرگ را در کابل دایر نماید و دفتر در کشور دیگری غیر از قطر برای طالبان آماده سازد در حقیقت گشایش دفتر سیاسی طالبان در کشور دیگر درب معما های سیاسی است تا افراد خوش باور و ظاهر بین به سلسله واقعیت ها پی ببرند که واقعیت آنچه میشوند نیست. دفتر برای کسانی که در لست سیاه اند و برای تعقیب و یافتن محل رهبر شان صد ها هزار دالر جایزه گذاشته شده راز های نهفته را برای اهل خرد باز گو میکند. سوال اینجاست که چرا حامد کرزی در رأس حکومت کابل در مورد گشایش دفتر طالبان در قطر آنقدر با عجله عکس العمل نشان داد حالا جهت تدارک دفتر برای طالبان در جای دیگری شب و روز در تلاش است در حالیکه گشایش دفتر و ساختن آدرس به طالبان از اهداف و آرزو های است که جناب حامد کرزی در سخنرانیها و کانفرانس های مطبوعاتی بخاطر تکمیل این هدف گلو پاره میکرد و حالا با انکار از حضور در دفتر قطر درین مذاکرات و به تعلیق در آوردن امضای قرار داد امنیتی بین امریکا و افغانستان خواسته از خود چهره دیگر به نمایش بگذارد. اگر کاخ سفید و اداره استخبارات امریکا که طالبان را ترورست و همکار القاعده خواندند از رسمیت شناختن دفتر سیاسی طالبان عار و ننگ نداشته باشد و برای شان کسر شأن نباشد برای مقامات کابل که همیشه طالبان را برادر خطاب نموده در پی یافتن آدرس طالبان بوده اند هیچ زیندگی نداشت که نسبت به ایجاد دفتر طالبان عکس العمل منفی نشان میداد چون این حکومت کابل است که بارها بزیر بیرق طالبان نماینده فرستاده هم در کوئته وهم در پیشاور و ده های جای دیگر. حتی گفته می شود که قیوم کرزی برادر رئیس جمهور مخفیانه با طالبان مذاکره داشته است اما حالا بخاطر گیج ساختن مبصرین و شخصیت های سیاسی مخالف سر از هر سوراخ مثبت و منفی بیرون میآورد.